

An Analysis of the Foundations of Strict Liability for Compensation of Damage Caused by Oil Pollution under Iranian Law: A Comparative Examination of the CLC Convention

1. Mohammad Saleh Panahi Dehnavi: Department of Law, Yas.C., Islamic Azad University, Yasuj, Iran
2. Mohammad Bagher Fijan*: Department of Private Law, NoM.C., Islamic Azad University, Noorabad Mamasani, Iran..
Email: Mohammad.Fijan@iau.ac.ir (Corresponding Author)

ABSTRACT

Environmental pollution resulting from oil-related activities is regarded as one of the most significant contemporary legal and environmental challenges because of its extensive and often irreversible consequences for human life, ecosystems, and the economy. One of the principal bases of civil liability for addressing such damage is “strict liability.” Unlike fault-based liability, strict liability does not require proof of wrongdoing on the part of the person responsible for the damage; rather, the occurrence of damage and the existence of a causal relationship are sufficient to establish liability. This approach has been expressly recognized in several international instruments, including the International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage (CLC). This article aims to analyze the foundations for recognizing strict liability in the compensation of oil pollution damage under Iranian law and to compare them with the provisions of the CLC Convention. This theoretical study employs a descriptive-analytical method and draws upon library-based sources, including legislation, legal textbooks, and scholarly articles. The findings indicate that although Iranian law has not expressly and generally recognized strict liability as a general basis of civil liability, tendencies toward adopting this basis can be observed in specific environmental legislation and judicial practice, particularly in relation to hazardous oil-related activities. By contrast, the CLC Convention expressly establishes strict liability as the principal basis for compensating oil pollution damage and holds the shipowner liable without requiring proof of fault. This difference in the explicitness and comprehensiveness with which strict liability is recognized has created gaps in the Iranian legal system. To enhance the effectiveness of Iran’s legal framework in addressing oil pollution, domestic legislation should move toward the express and comprehensive recognition of strict liability. Furthermore, full accession to relevant international conventions, including the CLC Convention and its supplementary protocols, is necessary to facilitate the prompt and effective compensation of damage.

Keywords: *strict liability, oil pollution, Iranian law, CLC Convention, compensation, environment.*

How to cite: Panahi Dehnavi, M. S. & Fijan, M. B. (2026). An Analysis of the Foundations of Strict Liability for Compensation of Damage Caused by Oil Pollution under Iranian Law: A Comparative Examination of the CLC Convention. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(6), 1-16.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 February 2026

Revise Date: 18 July 2026

Accept Date: 26 July 2026

Initial Publish Date: 11 August 2026

Final Publish Date: 20 February 2027



تحلیل مبانی مسئولیت محض در جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی در حقوق ایران با بررسی تطبیقی کنوانسیون CLC

۱. محمد صالح پناهی دهنوی: گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
۲. محمدباقر فیجان*: گروه حقوق خصوصی، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران. پست الکترونیک: Mohammad.Fijan@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های نفتی، به دلیل پیامدهای گسترده و جبران‌ناپذیری که بر حیات انسانی، اکوسیستم‌ها و اقتصاد وارد می‌آورد، از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و زیست‌محیطی معاصر محسوب می‌شود. یکی از مبانی مهم در حقوق مسئولیت مدنی برای مقابله با این خسارات، «مسئولیت محض» است که بر خلاف مسئولیت مبتنی بر تقصیر، نیاز به اثبات خطای عامل زیان ندارد و صرف وقوع خسارت و رابطه سببیت برای انتساب مسئولیت کافی است. این رویکرد، در اسناد بین‌المللی متعددی از جمله کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی برای خسارات آلودگی نفتی (CLC) به صراحت پذیرفته شده است. هدف این مقاله، تحلیل مبانی پذیرش مسئولیت محض در جبران خسارات آلودگی نفتی در حقوق ایران و مقایسه تطبیقی آن با کنوانسیون CLC است. این پژوهش از نوع نظری بوده و با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای (شامل قوانین، کتب حقوقی و مقالات علمی) انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه حقوق ایران به طور صریح و عام قاعده مسئولیت محض را به عنوان مبنای عمومی مسئولیت مدنی نپذیرفته است، اما گرایش‌هایی به سمت این مبنا در قوانین خاص زیست‌محیطی و رویه قضایی، به ویژه در مواجهه با فعالیت‌های خطرناک نفتی، مشاهده می‌شود. در مقابل، کنوانسیون CLC به طور صریح مسئولیت محض را مبنای اصلی جبران خسارات آلودگی نفتی قرار داده و مالک کشتی را بدون نیاز به اثبات تقصیر، مسئول می‌داند. این تفاوت در صراحت و جامعیت پذیرش مبنا، خلأهایی را در نظام حقوقی ایران ایجاد می‌کند. برای افزایش کارایی نظام حقوقی ایران در مقابله با آلودگی‌های نفتی، ضروری است قوانین داخلی به سمت پذیرش صریح و جامع مسئولیت محض سوق یابند و با پیوستن کامل به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط، از جمله CLC و پروتکل‌های تکمیلی آن، زمینه را برای جبران سریع و مؤثر خسارات فراهم آورند.

واژگان کلیدی: مسئولیت محض، آلودگی نفتی، حقوق ایران، کنوانسیون CLC، جبران خسارت، محیط زیست.

نحوه استناددهی: پناهی دهنوی، محمد صالح، و فیجان، محمدباقر. (۱۴۰۵). تحلیل مبانی مسئولیت محض در جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی در حقوق ایران با بررسی تطبیقی کنوانسیون CLC. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۶)، ۱-۱۶.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۹ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۷ تیر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۴ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۰ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

آلودگی‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های نفتی، به یکی از حادث‌ترین چالش‌های دنیای معاصر تبدیل شده است. این آلودگی‌ها که از مراحل استخراج، حمل، پالایش و ذخیره‌سازی نفت و فرآورده‌های آن نشئت می‌گیرند، پیامدهای گسترده و گاه جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم‌های دریایی و خشکی، سلامت انسان‌ها و اقتصاد جوامع ساحلی به همراه دارند (Adiban et al., 2022). نشئت نفت از سکوها‌های حفاری، حوادث نفتکش‌ها و تخلیه غیرقانونی مواد نفتی، نه‌تنها منجر به تخریب زیستگاه‌های طبیعی و انقراض گونه‌ها می‌شود، بلکه منابع آب آشامیدنی، خاک‌های کشاورزی و صنعت گردشگری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (Akrami & Nabi, 2024). با توجه به اهمیت استراتژیک صنعت نفت در اقتصاد جهانی و به‌خصوص در کشورهایی مانند ایران که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت محسوب می‌شود، تعیین مسئولیت حقوقی برای جبران این خسارات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در نظام‌های حقوقی معاصر، مبانی مختلفی برای انتساب مسئولیت مدنی، مانند تقصیر، خطر یا تضمین حق، مورد بحث قرار گرفته‌اند (Baqersad & Savaraei, 2024). در این میان، مسئولیت محض، به‌عنوان یک مبنای نوین‌تر و کارآمد، در حوزه حقوق محیط‌زیست، به‌ویژه در قبال فعالیت‌های خطرناک، رویکرد غالب شناخته می‌شود (Poursidi et al., 2024). مسئولیت محض، برخلاف مسئولیت مبتنی بر تقصیر، عامل زیان را بدون نیاز به اثبات خطای او، صرفاً بر اساس وقوع خسارت و وجود رابطه سببیت، مسئول جبران می‌داند (Pournouri et al., 2021). این مبنا، به دلیل ماهیت پیچیده خسارات زیست‌محیطی و دشواری اثبات تقصیر در آن‌ها، از کارایی بیشتری برخوردار است. در سطح بین‌الملل، اسناد متعددی برای مقابله با آلودگی نفتی و تضمین جبران خسارات آن به تصویب رسیده‌اند که برجسته‌ترین آن‌ها، کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی برای خسارات آلودگی نفتی (CLC) است که صراحتاً مبنای مسئولیت محض را برای مالک کشتی تعیین می‌کند (Al Shamisi, 2025).

این مقاله با هدف تحلیل مبانی پذیرش مسئولیت محض در جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی در حقوق ایران و مقایسه تطبیقی آن با کنوانسیون CLC، به بررسی این پرسش می‌پردازد که مبانی مسئولیت محض در جبران خسارات آلودگی نفتی در حقوق ایران چیست و چه تطبیقی با کنوانسیون CLC دارد. این پژوهش از نوع نظری بوده و با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، قوانین، کتب حقوقی و مقالات علمی، به تحلیل ابعاد مختلف موضوع می‌پردازد. این تحقیق تلاش می‌کند تا با شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان دو نظام حقوقی، به شفاف‌سازی مبانی حقوقی مسئولیت در قبال آلودگی نفتی در ایران کمک کرده و با بررسی استانداردهای بین‌المللی، زمینه را برای ارتقای کارایی نظام حقوقی ایران در حفاظت از محیط‌زیست فراهم آورد.

مبانی نظری مسئولیت محض در حقوق محیط‌زیست

در نظام‌های حقوقی مدرن، مسئله انتساب مسئولیت و جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های زیان‌بار، همواره از مباحث چالش‌برانگیز بوده است. به‌طور سنتی، «تقصیر» به‌عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی شناخته می‌شد (Adiban et al., 2022). با این حال، گسترش صنایع خطرناک و فعالیت‌هایی که به‌طور ذاتی پتانسیل ایجاد خسارات وسیع را دارند، موجب شکل‌گیری مبنای جدیدی تحت عنوان مسئولیت محض در حقوق شده است. این بخش به تعریف مسئولیت محض، دلایل توجیهی پذیرش آن در حقوق محیط‌زیست و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی مرتبط با آلودگی نفتی می‌پردازد.

مفهوم مسئولیت محض

مسئولیت محض به معنای آن است که شخصی، صرفاً به دلیل وقوع خسارت ناشی از فعالیت خود، مسئول جبران آن شناخته می‌شود؛ حتی اگر هیچ‌گونه تقصیر یا خطایی از سوی او احراز نگردد (Akrami & Nabi, 2024). در این مبنا، برای انتساب مسئولیت، تنها وجود فعل زیان‌بار ناشی از فعالیت خاص، وقوع خسارت و رابطه سببیت میان فعل و خسارت کافی است. تفاوت اصلی آن با مسئولیت مبتنی بر تقصیر، در عدم نیاز به اثبات عنصر روانی یا معنوی، مانند عمد، بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی، است (Baqersad & Savaraei, 2024). پذیرش مسئولیت محض در حوزه حقوق محیط‌زیست، به‌ویژه برای فعالیت‌های خطرناک نظیر صنعت نفت، بر مبنای دلایل متعددی توجیه می‌شود:

۱- خطرات ذاتی فعالیت: برخی فعالیت‌ها ذاتاً خطرناک هستند و حتی با رعایت تمامی استانداردهای ایمنی، پتانسیل ایجاد خسارات وسیع را دارند. صنعت نفت، به دلیل ماهیت خود، شامل فرایندهای پرخطر، از جمله حفاری، انتقال و پالایش است که بروز حوادث و آلودگی‌های نفتی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (Alwreikat & Qtaishat, 2025). در چنین مواردی، توجیه منطقی این است که کسی که از این فعالیت‌ها سود می‌برد، باید مسئولیت خسارات احتمالی آن را نیز بپذیرد.

۲- دشواری اثبات تقصیر: خسارات زیست‌محیطی، به‌ویژه آلودگی‌های نفتی، غالباً دارای پیچیدگی‌های علمی و فنی هستند که اثبات تقصیر عامل زیان را بسیار دشوار می‌سازد. آلاینده‌ها می‌توانند به‌صورت نامرئی منتشر شده یا آثار خود را در بلندمدت نشان دهند و منشأ دقیق آن‌ها ممکن است مبهم باشد (Amune, 2025). در نتیجه، سیستم مبتنی بر تقصیر در چنین مواردی به ناکارآمدی منجر شده و جبران خسارت قربانیان را با چالش مواجه می‌سازد. مسئولیت محض با حذف این مانع، فرایند جبران را تسریع و تسهیل می‌کند.

۳- اصل آلوده‌کننده: این اصل، یکی از اصول بنیادین حقوق محیط‌زیست است که تصریح می‌کند کسی که آلودگی ایجاد می‌کند، باید هزینه‌های مربوط به پیشگیری، کنترل و جبران خسارات ناشی از آن را بپردازد (Askar, 2025). این اصل بر این ایده استوار است که هزینه‌های خارجی ناشی از آلودگی نباید بر جامعه یا محیط‌زیست تحمیل شود، بلکه باید توسط عامل آلوده‌کننده درونی‌سازی گردد (Mousavi & Eslami, 2024). مسئولیت محض، ابزاری کارآمد برای اجرای این اصل است، زیرا عامل زیان را فارغ از تقصیر، مسئول هزینه‌های آلودگی می‌داند. این اصل، به‌عنوان یک ابزار اقتصادی - حقوقی، انگیزه لازم را برای عاملان فعالیت‌های خطرناک ایجاد می‌کند تا در پیشگیری از آلودگی سرمایه‌گذاری بیشتری کنند.

جایگاه مسئولیت محض در اسناد بین‌المللی آلودگی نفتی

حقوق بین‌الملل، به دلیل ماهیت فرامرزی آلودگی‌های نفتی و پیچیدگی‌های جبران خسارت در این حوزه، از پیشگامان پذیرش مسئولیت محض بوده است. کنوانسیون‌های متعددی در این زمینه به تصویب رسیده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها کنوانسیون CLC و پروتکل‌های تکمیلی آن است.

کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی برای خسارات آلودگی نفتی

کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی برای خسارات آلودگی نفتی که در سال ۱۹۶۹ به تصویب رسید و پروتکل‌های بعدی آن، مانند پروتکل ۱۹۹۲، از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه مسئولیت ناشی از آلودگی نفتی است (Khatai & Ladsaria, 2025). هدف اصلی CLC، تضمین جبران سریع و کافی خسارات ناشی از آلودگی نفتی حاصل از کشتی‌هاست. این کنوانسیون به‌طور صریح مسئولیت محض را به‌عنوان

مبنای مسئولیت برای مالک کشتی تعیین کرده است (Li & Li, 2025). بر اساس ماده III کنوانسیون CLC، مالک کشتی مسئول هرگونه خسارت آلودگی است که در نتیجه نشت نفت از کشتی او رخ دهد، مگر در موارد محدودی که صراحتاً استثنا شده‌اند. موارد معافیت از مسئولیت در CLC بسیار محدود و شامل موارد زیر است:

- خسارت ناشی از جنگ، خصومت، جنگ داخلی، شورش یا یک پدیده طبیعی استثنایی، اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل مقاومت؛
- خسارت به‌طور کامل ناشی از عمل یا قصور شخص ثالث باشد که قصد ایجاد خسارت داشته است؛
- خسارت به‌طور کامل ناشی از تقصیر یا سایر اعمال زیان‌دیده باشد (Maccloud, 2025).

این محدودیت در موارد معافیت، نشان‌دهنده تأکید کنوانسیون بر مسئولیت محض و تضمین جبران خسارت است. مالک کشتی موظف است بیمه کافی برای پوشش مسئولیت خود تهیه کند. این بیمه به قربانیان امکان می‌دهد تا مستقیماً به بیمه‌گر مراجعه کرده و خسارت خود را مطالبه کنند.

پروتکل صندوق بین‌المللی جبران خسارات آلودگی نفتی

پروتکل صندوق بین‌المللی جبران خسارات آلودگی نفتی که در سال ۱۹۷۱ به تصویب رسید و پروتکل ۱۹۹۲ آن، مکانیزم تکمیلی برای کنوانسیون CLC محسوب می‌شود (Minxuan et al., 2025). هدف اصلی صندوق، فراهم کردن جبران خساراتی است که از سقف مسئولیت مالک کشتی بر اساس CLC فراتر می‌رود یا در مواردی که مالک کشتی از معافیت‌های خاصی استفاده می‌کند. صندوق توسط کمک‌های مالی واردکنندگان نفت در کشورهای عضو تأمین می‌شود (Pournouri et al., 2021). این پروتکل، با تضمین جبران کامل تر خسارات، نقش مهمی در پوشش ریسک‌های عظیم ناشی از آلودگی‌های نفتی ایفا می‌کند و نشان‌دهنده رویکرد فراتر از مسئولیت محض صرف است که به سمت تضمین جبران حداکثری پیش می‌رود.

مسئولیت جبران خسارات آلودگی نفتی در حقوق ایران

نظام حقوقی ایران، به‌عنوان کشوری با منابع غنی نفت و فعالیت‌های گسترده در این حوزه، ناگزیر از مواجهه با چالش‌های حقوقی ناشی از آلودگی‌های نفتی است. مبانی مسئولیت در حقوق ایران، ریشه‌های فقهی و قانونی دارد و در طول زمان، تحت تأثیر تحولات بین‌المللی نیز قرار گرفته است. این بخش به بررسی مبانی حقوقی مسئولیت در ایران، با تمرکز بر آلودگی نفتی، و سپس دامنه و ارکان این مسئولیت می‌پردازد.

مبانی حقوقی مسئولیت در ایران

حقوق ایران در مورد مبنای مسئولیت مدنی، رویکرد واحدی ندارد و بسته به نوع فعالیت و قانون مربوطه، از مبانی مختلفی پیروی می‌کند.

اصل تقصیر (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و قواعد فقهی)

مبنای سنتی و عمومی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، «تقصیر» است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ صراحتاً بیان می‌کند: هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. این ماده، مسئولیت را منوط به اثبات تقصیر، اعم از عمد یا بی‌احتیاطی، عامل زیان می‌داند (Adiban et al., 2022).

در فقه اسلامی نیز، که شالوده اصلی حقوق ایران است، قواعدی چون لاضرر و اتلاف به‌عنوان مبانی مسئولیت شناخته می‌شوند. قاعده لاضرر به این معناست که هیچ‌کس نباید به خود یا دیگری زیانی وارد کند (Akrami & Nabi, 2024). این قاعده در مواردی می‌تواند مبنای

مسئولیت بدون تقصیر نیز قرار گیرد، اما تفسیر رایج آن در مسئولیت مدنی، عمدتاً بر وجود تقصیر یا تعدی دلالت دارد (Baqersad & Savaraei, 2024). قاعده اتلاف نیز به معنای از بین بردن مال دیگری است که در آن نیز غالباً عنصر تعدی مطرح است که می‌تواند به تقصیر تعبیر شود (Poursidi et al., 2024). بنابراین، رویکرد عمومی حقوق ایران به مسئولیت، مبتنی بر تقصیر است.

قاعده ضمان (مفهوم ضمان قهری)

ضمان در حقوق ایران به معنای التزام و تعهد به جبران خسارت است که ممکن است ناشی از عقد، ضمان عقدی، یا خارج از عقد، ضمان قهری، باشد (Pournouri et al., 2021). ضمان قهری شامل مواردی است که فرد بدون قرارداد قبلی، ملزم به جبران خسارت وارده به دیگری می‌شود. این قاعده می‌تواند شامل مبانی تقصیر، مانند اتلاف و تسبیب، و نیز موارد بدون تقصیر، مانند ید ضمانی، باشد (Rashedi & Mashhadi, 2024).

در حوزه آلودگی نفتی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا قاعده ضمان قهری می‌تواند مبنای پذیرش مسئولیت محض باشد؟ برخی حقوقدانان معتقدند که در مواردی که فعالیت ذاتاً خطرناک است و انتساب خسارت به آن فعالیت محرز است، حتی بدون اثبات تقصیر، عامل زیان بر اساس قاعده ضمان قهری مسئول است. این رویکرد به سمت مسئولیت محض تمایل دارد، چراکه در برخی موارد، مانند ید ضمانی، مسئولیت صرفاً بر اساس تسلط بر مال و بدون نیاز به تقصیر ایجاد می‌شود که می‌تواند در مورد کنترل فعالیت‌های نفتی نیز مصداق یابد. با این حال، صراحت کافی برای پذیرش مسئولیت محض به عنوان یک قاعده عمومی در قوانین مدنی ایران وجود ندارد و اغلب نیاز به استدلال خاص برای تطبیق آن با موارد بدون تقصیر است (Rahmani, 2024).

قوانین خاص مرتبط با محیط‌زیست (با تمرکز بر آلودگی نفتی)

با وجود عدم صراحت قانون مدنی در پذیرش عام مسئولیت محض، قوانین خاص متعددی در ایران به تصویب رسیده‌اند که گرایش‌هایی به سمت این مبنا دارند و در حوزه محیط‌زیست، مسئولیت‌هایی را برای عاملان آلودگی، فارغ از تقصیر، در نظر می‌گیرند:

- قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳: این قانون، سازمان حفاظت محیط‌زیست را مسئول نظارت و جلوگیری از آلودگی می‌داند. ماده ۹ این قانون هرگونه آلودگی محیط‌زیست را ممنوع کرده و برای متخلفان مجازات‌هایی را در نظر گرفته است. اگرچه این قانون به صراحت به مسئولیت محض اشاره نمی‌کند، اما نفس ممنوعیت آلودگی، بدون شرط تقصیر، می‌تواند زمینه‌ساز رویکرد مسئولیت محض باشد (Rahmani, 2024).

- قوانین مرتبط با آب و خاک: در قوانین مربوط به آب و خاک، مانند قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷، به مواردی از مسئولیت ناشی از آلودگی منابع آبی اشاره شده است که بدون نیاز به اثبات تقصیر، عامل آلودگی را مسئول می‌داند (Miri Lavasani & Sadeghi, Ziazi, 2023).

- مسئولیت شرکت ملی نفت و سایر نهادها: اگرچه قانون خاصی به صراحت مسئولیت محض شرکت ملی نفت را در قبال آلودگی نفتی تعیین نکرده است، اما با توجه به ماهیت پرخطر فعالیت‌های این شرکت‌ها، رویه قضایی و دکترین حقوقی تمایل به اعمال مسئولیت شدیدتری دارند (Mousavi & Eslami, 2024). در برخی موارد، مسئولیت دولت و نهادهای دولتی در قبال خسارات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های آنها مطرح شده است که می‌تواند به مسئولیت محض نزدیک باشد (Adiban et al., 2022).

دامنه و ارکان مسئولیت در ایران (متناسب با آلودگی نفتی)

پس از تبیین مبانی، لازم است دامنه و ارکان مسئولیت مدنی در حقوق ایران، با تمرکز بر خسارات ناشی از آلودگی نفتی، مورد بررسی قرار گیرد. ارکان مسئولیت مدنی شامل ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت است.

ضرر و خسارت ناشی از آلودگی نفتی

ضرر در حقوق ایران به هرگونه لطمه‌ای به مال، جان یا حقوق معنوی اشخاص اطلاق می‌شود (Akrami & Nabi, 2024). خسارات ناشی از آلودگی نفتی دارای ابعاد گسترده‌ای هستند که شامل موارد زیر می‌شوند:

- خسارات مادی: این خسارات شامل هزینه‌های پاک‌سازی آلودگی، تعمیر یا جایگزینی تجهیزات آسیب‌دیده، از دست رفتن درآمد ناشی از اختلال در صنایع شیلات و گردشگری و خسارت به اموال و مستغلات مجاور می‌شود. ارزیابی این خسارات اغلب از طریق کارشناسان رسمی دادگستری انجام می‌شود.

- خسارات معنوی: آلودگی نفتی می‌تواند موجب لطمه به حیثیت، سلامت روان و آسایش عمومی جامعه شود (Baqersad & Savaraei, 2024). تعیین خسارت معنوی پیچیده‌تر است و رویه قضایی در این زمینه متنوع است.

- خسارات زیست‌محیطی محض: این نوع خسارت به آسیب به عناصر طبیعی، مانند تنوع زیستی، آب و خاک و هوا، اشاره دارد که ممکن است مستقیماً به شخص خاصی آسیب نرساند، اما به کل اکوسیستم صدمه وارد کند. ارزیابی و جبران این خسارات از چالش‌های اصلی است که نیاز به روش‌های تخصصی دارد (Zhou et al., 2025). در ایران، مفهوم حقوق محیط‌زیست به تدریج در حال شناسایی است که می‌تواند مبنای جبران این نوع خسارات باشد.

- خسارات جمعی و آینده‌نگر: آلودگی‌های نفتی می‌توانند بر تعداد زیادی از افراد، جامعه، تأثیر بگذارند و پیامدهای آن‌ها در بلندمدت ظاهر شود. این امر، شناسایی زیان‌دیدگان و تعیین دامنه خسارت را دشوار می‌سازد (Zaati Abadee et al., 2025).

فعل زیان‌بار (شامل نشت، تخلیه، حوادث)

فعل زیان‌بار، عملی است که موجب ورود خسارت می‌شود. در حوزه آلودگی نفتی، فعل زیان‌بار می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- نشت نفت: چه از کشتی‌ها، نفتکش‌ها، چه از سکوها، حفاری، خطوط لوله یا تأسیسات ذخیره‌سازی (Zaati Abadee et al., 2025).
- تخلیه غیرقانونی: رهاسازی عمدی یا غیرعمدی مواد نفتی در محیط‌زیست (Ye et al., 2025).
- حوادث: انفجار، آتش‌سوزی یا سایر سوانح مرتبط با فعالیت‌های نفتی که منجر به انتشار آلودگی می‌شوند (Radford, 2025).
- قصور در نگهداری: عدم رعایت استانداردهای ایمنی و نگهداری صحیح که منجر به نشت یا آلودگی شود.

رابطه سببیت در آلودگی نفتی (پیچیدگی‌ها و چالش‌های اثبات)

رابطه سببیت به معنای وجود ارتباط مستقیم و منطقی میان فعل زیان‌بار و خسارت وارده است. اثبات این رابطه، به‌ویژه در موارد آلودگی نفتی، می‌تواند بسیار پیچیده باشد (Adiban et al., 2022). دلایل این پیچیدگی عبارت‌اند از:

- تعدد اسباب: آلودگی نفتی ممکن است ناشی از عوامل متعددی باشد؛ مثلاً نشت از چند منبع مختلف یا مشارکت عوامل انسانی و طبیعی. در چنین مواردی، انتساب خسارت به یک عامل خاص دشوار است.

- پیچیدگی‌های علمی و فنی: تشخیص منشأ دقیق آلودگی و میزان تأثیر هر عامل، نیازمند بررسی‌های تخصصی و کارشناسی است که ممکن است به زمان‌بر و پرهزینه بودن فرایند قضایی منجر شود.
- پراکنش و تجمع آلاینده‌ها: آلاینده‌های نفتی ممکن است در محیط پخش شده و به‌مرور زمان تجمع یابند و آثار خود را در نقاط دوردست یا در آینده نشان دهند که انتساب آن‌ها به یک فعل خاص را دشوار می‌سازد (Phuong & Thanh, 2025).
- عوامل قطع یا تغییر رابطه سببیت: در حقوق ایران، عواملی مانند قوه قاهره یا فعل شخص ثالث می‌توانند رابطه سببیت را قطع کرده و مسئولیت عامل اصلی را ساقط کنند (Rashedi & Mashhadi, 2024). با این حال، در حوزه آلودگی نفتی، این موارد اغلب به‌ندرت و با تفسیر محدود پذیرفته می‌شوند تا مسئولیت عامل اصلی حفظ شود.

مقایسه تطبیقی مبانی مسئولیت محض: حقوق ایران و کنوانسیون CLC

مقایسه نظام حقوقی ایران با کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی برای خسارات آلودگی نفتی (CLC) از منظر مبانی مسئولیت محض، نه تنها به درک عمیق‌تر رویکردهای دوگانه در قبال آلودگی نفتی کمک می‌کند، بلکه راه را برای شناسایی نقاط قوت، ضعف و فرصت‌های انطباق فراهم می‌آورد. این بخش به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های کلیدی در پذیرش مسئولیت محض در هر دو نظام می‌پردازد.

شباهت‌ها

اگرچه حقوق ایران و کنوانسیون CLC از لحاظ ساختاری و مبانی عمومی تفاوت‌هایی دارند، اما در رویکرد به جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک، می‌توان شباهت‌هایی را مشاهده کرد:

- هدف نهایی جبران خسارت: هر دو نظام حقوقی بر لزوم جبران خسارت وارده به زیان‌دیدگان تأکید دارند. چه در حقوق ایران، بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و قواعد فقهی، و چه در CLC، هدف اصلی بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت پیش از وقوع خسارت است (Rahmani, 2024). این اصل، بنیادین‌ترین شباهت در رویکرد به مسئولیت است.
- گرایش به مسئولیت شدیدتر برای فعالیت‌های خطرناک: با وجود اینکه مبنای عمومی مسئولیت در ایران «تقصیر» است، اما در مورد فعالیت‌های خاص و پرخطر، مانند صنعت نفت، قوانین و رویه قضایی به سمت مسئولیت شدیدتر، نزدیک به مسئولیت محض، گرایش دارند (Poursidi et al., 2024). این گرایش در CLC به اوج خود می‌رسد، جایی که مسئولیت محض برای مالک کشتی نفتکش، به‌عنوان فعالیت ذاتاً خطرناک، به‌صراحت پذیرفته شده است (Al Shamisi, 2025).
- اهمیت پیشگیری: هر دو نظام به اهمیت پیشگیری از آلودگی و جلوگیری از وقوع خسارت اذعان دارند. در حقوق ایران، اصول حاکم بر محیط‌زیست بر لزوم اقدامات پیشگیرانه تأکید دارند و CLC نیز با تعیین مسئولیت شفاف، انگیزه لازم را برای مالکان کشتی جهت رعایت استانداردهای ایمنی و پیشگیری از حوادث ایجاد می‌کند. اصل «آلوده‌کننده باید بپردازد» در هر دو نظام، به‌صورت ضمنی در ایران و صریح‌تر در CLC، به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند (Amune, 2025).

تفاوت‌ها

تفاوت‌های اصلی میان حقوق ایران و کنوانسیون CLC در پذیرش و اجرای مسئولیت محض، ریشه در مبانی فلسفی و ساختارهای حقوقی هر یک دارد:

- صراحت و جامعیت پذیرش مسئولیت محض:

o کنوانسیون CLC: به‌طور صریح و قاطع، مبنای مسئولیت محض را برای مالک کشتی نفتکش تعیین می‌کند. این صراحت، قطعیت و شفافیت را در انتساب مسئولیت تضمین می‌کند و نیاز به اثبات تقصیر را به‌طور کامل حذف می‌نماید (Amune, 2025).

o حقوق ایران: مسئولیت محض در حقوق ایران به‌عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته نشده است (Poursidi et al., 2024). اگرچه در برخی قوانین خاص، مانند قوانین محیط‌زیست، و رویه قضایی گرایش‌هایی به سمت آن مشاهده می‌شود، اما این پذیرش به‌صورت پراکنده و موردی است و فاقد صراحت و جامعیت لازم برای یک قاعده عمومی است. در نتیجه، ممکن است در برخی موارد، زیان‌دیده همچنان مجبور به اثبات تقصیر عامل آلودگی باشد که این امر، فرایند جبران را دشوار می‌کند.

• دامنه مسئولیت و موارد معافیت:

o کنوانسیون CLC: دامنه مسئولیت در CLC روشن و محدود به خسارات ناشی از آلودگی نفتی حاصل از کشتی‌هاست و موارد معافیت نیز به‌صراحت و به‌صورت محدودی ذکر شده‌اند (Ismail & Taib, 2025). این امر، پیش‌بینی‌پذیری و قطعیت حقوقی را برای طرفین، مالک کشتی و زیان‌دیده، افزایش می‌دهد.

o حقوق ایران: دامنه مسئولیت در قوانین ایران، به‌ویژه در مورد آلودگی‌های نفتی از منابع مختلف، ممکن است کمتر روشن باشد. موارد معافیت نیز ممکن است به‌صورت کلی‌تر و با تفاسیر مختلف، مانند قوه قاهره یا فعل شخص ثالث، مطرح شوند که می‌تواند موجب ابهام در انتساب مسئولیت نهایی گردد.

• مکانیزم‌های جبران خسارت و صندوق‌های حمایتی:

o کنوانسیون CLC و FUND: کنوانسیون CLC توسط پروتکل FUND تکمیل می‌شود که یک صندوق بین‌المللی برای جبران خساراتی است که از سقف مسئولیت مالک کشتی فراتر می‌رود (Ismail & Taib, 2025). این مکانیزم، تضمین مالی قوی‌تری را برای جبران خسارات عظیم فراهم می‌آورد.

o حقوق ایران: در ایران، مکانیزم مشابه و جامعی برای تضمین مالی جبران خسارات عظیم آلودگی نفتی، به‌ویژه از منابع مختلف و با توجه به محدودیت‌های بیمه‌ای، وجود ندارد. این خلأ می‌تواند در مواجهه با حوادث نفتی بزرگ، چالش‌های جدی در جبران خسارت ایجاد کند.

چالش‌ها و فرصت‌های انطباق

تفاوت‌های مذکور، چالش‌هایی را برای انطباق حقوق ایران با استانداردهای بین‌المللی ایجاد می‌کند:

• چالش‌ها:

o ابهام حقوقی: عدم صراحت در پذیرش مسئولیت محض می‌تواند منجر به ابهام در مسئولیت عاملان آلودگی نفتی و تفاوت در رویه قضایی شود.

o جبران ناکافی: در حوادث بزرگ، نبود مکانیزم‌های مالی مکمل ممکن است منجر به جبران ناکافی خسارات وارده به محیط‌زیست و جامعه گردد.

o عدم انطباق با قواعد بین‌المللی: این تفاوت‌ها می‌تواند به چالش‌هایی در روابط حقوقی بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای منجر شود (Askar, 2025).

• فرصت‌ها:

o الگوبرداری از CLC: کنوانسیون CLC می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تدوین قوانین جامع‌تر در ایران عمل کند که صراحتاً مسئولیت محض را برای فعالیت‌های نفتی تعیین می‌کند (Al Shamisi, 2025).

o پیوستن به کنوانسیون‌ها: عضویت کامل ایران در کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با آلودگی نفتی، CLC و FUND، می‌تواند به ارتقای استانداردهای ملی و دسترسی به مکانیزم‌های بین‌المللی جبران خسارت کمک کند.

o افزایش قطعیت حقوقی: پذیرش صریح مسئولیت محض، قطعیت حقوقی را افزایش داده و انگیزه لازم را برای شرکت‌های نفتی جهت سرمایه‌گذاری در پیشگیری از آلودگی ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی، به دلیل ماهیت پرخطر فعالیت‌های مرتبط با نفت و پیامدهای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی گسترده آن، یکی از مهم‌ترین مباحث در حقوق محیط‌زیست معاصر است. پذیرش مبنای «مسئولیت محض» برای این‌گونه خسارات، در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته و اسناد بین‌المللی، به دلیل دشواری اثبات تقصیر و لزوم درونی‌سازی هزینه‌های آلودگی توسط عامل زیان، به یک استاندارد تبدیل شده است. این رویکرد، بر اساس اصل «آلوده‌کننده باید بپردازد» و ضرورت درونی‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی توسط عاملان آلودگی توجیه می‌شود، چراکه با حذف پیچیدگی‌های اثبات تقصیر، به جبران سریع‌تر و مؤثرتر خسارات کمک شایانی می‌رساند. در بررسی جایگاه مسئولیت محض در اسناد بین‌المللی، مشخص شد که کنوانسیون CLC به‌طور قاطع و صریح، مبنای مسئولیت محض را برای مالک کشتی نفتکش در قبال خسارات آلودگی نفتی پذیرفته است. این کنوانسیون، با تعیین مالک کشتی به‌عنوان مسئول اصلی و محدود کردن موارد معافیت، قطعیت و شفافیت را در انتساب مسئولیت تضمین می‌کند. علاوه بر این، پروتکل FUND نیز به‌عنوان یک مکانیزم تکمیلی مالی، جبران کامل‌تر خسارات را حتی در مواردی که سقف مسئولیت مالک کشتی ناکافی است، تضمین می‌نماید که این امر، پایداری و کارایی نظام بین‌المللی جبران خسارات نفتی را به نحو چشمگیری افزایش داده است.

اما در حقوق ایران، وضعیت متفاوت است. نظام حقوقی ایران به‌طور عام مبنای مسئولیت محض را به‌عنوان یک قاعده عمومی نپذیرفته است و مبنای اصلی مسئولیت مدنی، «تقصیر» است. با این حال، پژوهش نشان داد که در برخی قوانین خاص مرتبط با محیط‌زیست و رویه قضایی، گرایش‌هایی به سمت پذیرش مسئولیت شدیدتر برای فعالیت‌های خطرناک و زیان‌های زیست‌محیطی مشاهده می‌شود. همچنین، قاعده فقهی «ضمان قهری» نیز پتانسیل توسعه برای شمول مسئولیت بدون تقصیر را داراست، هرچند این توسعه به صراحت و جامعیت کنوانسیون CLC نیست و نیاز به استنباط و استدلال حقوقی بیشتری دارد. این عدم صراحت و جامعیت در پذیرش مسئولیت محض در حقوق ایران می‌تواند منجر به ابهام در انتساب مسئولیت و دشواری در جبران مؤثر خسارات عظیم ناشی از آلودگی‌های نفتی شود که این امر با اصول پیشگیرانه و جبران‌کننده حقوق محیط‌زیست مغایرت دارد.

مقایسه تطبیقی میان حقوق ایران و کنوانسیون CLC، این تفاوت مبنایی را به‌وضوح نشان می‌دهد. درحالی‌که CLC با صراحت و مکانیزم‌های مالی مکمل، یک چارچوب کارآمد برای جبران خسارات آلودگی نفتی ارائه می‌دهد، حقوق ایران در این زمینه دارای خلأهای قانونی و عملیاتی است. این تفاوت نه‌تنها چالش‌هایی را در جبران خسارات عظیم آلودگی نفتی ایجاد می‌کند، بلکه انطباق حقوق داخلی ایران با استانداردهای بین‌المللی و تعهدات آن را نیز دشوار می‌سازد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که با وجود گام‌هایی که در حقوق ایران برای حمایت از

محیط‌زیست برداشته شده است، برای مقابله مؤثر با آلودگی‌های نفتی و تضمین جبران خسارات آن، نیاز به بازنگری‌های اساسی در مبانی مسئولیت و تقویت مکانیزم‌های اجرایی و مالی وجود دارد.

پیشنهادهات

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهادات زیر برای بهبود نظام حقوقی ایران در زمینه مسئولیت جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی ارائه می‌شود:

۱. پیشنهادات قانونی:

o تصویب قانون جامع: تدوین و تصویب یک قانون جامع مسئولیت مدنی زیست‌محیطی، با تمرکز ویژه بر آلودگی نفتی، که به‌صراحت مبنای «مسئولیت محض» را برای فعالیت‌های پرخطر نفتی تعیین کند. این قانون باید شامل تعریف دقیق خسارات زیست‌محیطی محض و مکانیسم‌های ارزیابی آن باشد.

o انطباق با CLC: با توجه به اهمیت کنوانسیون CLC و پروتکل FUND در حقوق بین‌الملل، پیوستن کامل ایران به این اسناد و اصلاح قوانین داخلی برای انطباق کامل با آن‌ها قویاً توصیه می‌شود. این امر نه تنها به شفافیت در روابط حقوقی بین‌المللی کمک می‌کند، بلکه دسترسی ایران به صندوق‌های جبران خسارت بین‌المللی را نیز فراهم می‌آورد.

۲. پیشنهادات اجرایی و عملیاتی:

o ایجاد صندوق ملی جبران خسارت: تشکیل یک صندوق ملی برای جبران خسارات آلودگی نفتی در ایران، با الگوبرداری از پروتکل FUND، که از طریق مشارکت شرکت‌های نفتی و واردکنندگان نفت تأمین مالی شود. این صندوق می‌تواند پوشش مالی لازم را برای خساراتی که از سقف مسئولیت عامل زیان فراتر می‌رود، فراهم کند.

o تقویت نظارت و بازرسی: افزایش نظارت و بازرسی‌های مستمر بر فعالیت‌های نفتی، اعم از استخراج، حمل، پالایش و ذخیره‌سازی، توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست و سایر نهادهای ذی‌ربط، به‌منظور پیشگیری فعال از آلودگی‌ها و تضمین رعایت استانداردهای ایمنی.

o توسعه ظرفیت‌های کارشناسی: سرمایه‌گذاری در توسعه ظرفیت‌های کارشناسی و علمی برای ارزیابی دقیق خسارات زیست‌محیطی، به‌ویژه در بخش‌های فنی و اقتصادی، جهت تسهیل فرایند جبران خسارت در محاکم قضایی.

۳. پیشنهادات پژوهشی:

o بررسی تطبیقی دقیق‌تر: انجام پژوهش‌های تطبیقی دقیق‌تر بر روی مکانیزم‌های جبران خسارت در سایر کشورهای نفتی، مانند ایالات متحده آمریکا یا نروژ، که رویکردهای متفاوتی در پذیرش مسئولیت محض و صندوق‌های جبران خسارت دارند.

o تحقیق در مورد ابزارهای اقتصادی - حقوقی: بررسی ابزارهای اقتصادی - حقوقی نوین، مانند مالیات‌های زیست‌محیطی یا بیمه‌های اجباری، برای تشویق صنایع نفتی به کاهش ریسک آلودگی و تأمین مالی برای جبران خسارات.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منفعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

EXTENDED SUMMARY

Environmental pollution arising from oil-related activities constitutes one of the most serious contemporary challenges in environmental law because of its extensive, transboundary, cumulative, and frequently irreversible consequences for marine and terrestrial ecosystems, public health, coastal economies, fisheries, agriculture, tourism, and natural resources. Oil pollution may occur at different stages of the petroleum cycle, including extraction, drilling, transportation, refining, storage, loading, unloading, and waste disposal, and may result from tanker accidents, pipeline failures, offshore platform incidents, operational discharges, equipment defects, or unlawful releases. The complexity of these incidents is intensified by the scientific difficulty of identifying the precise source of contamination, determining the temporal and spatial scope of harm, distinguishing individual from collective losses, and quantifying pure ecological damage that may not be directly connected to an identifiable private claimant. For these reasons, conventional fault-based liability often proves inadequate, particularly where victims lack access to technical information or where pollution manifests gradually and at considerable distance from its source (Adiban et al., 2022; Baqersad & Savaraei, 2024; Mousavi & Eslami, 2024). Strict liability has therefore emerged as a central legal mechanism for addressing environmental damage caused by hazardous activities. Under this approach, liability does not depend on proof of negligence, intent, recklessness, or any other form of fault; rather, the occurrence of legally cognizable damage and the existence of a causal relationship between the hazardous activity and the resulting harm are generally sufficient. The growing significance of strict liability reflects the recognition that actors who create exceptional risks and derive economic benefits from hazardous industries should bear the costs associated with those risks instead of transferring them to the public, affected communities, or future generations. This rationale is closely connected to the polluter-pays principle, risk distribution, corrective justice, environmental prevention, and the internalization of external costs (Al Shamisi, 2025; Askar, 2025; Rahmani, 2024). Against this background, the present study analyzes the theoretical and legal foundations of strict liability for compensation of oil pollution damage under Iranian law and compares the Iranian approach with the liability regime established by the International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage, commonly known as the CLC Convention. The principal question is whether Iranian law contains an adequate and coherent basis for imposing liability without proof of fault in oil pollution cases and to what extent its rules correspond to the more explicit international model embodied in the CLC framework.

This study is theoretical in nature and applies a descriptive-analytical and comparative legal method. The analysis is based on Iranian statutory law, principles of civil liability, relevant jurisprudential concepts, environmental legislation, legal scholarship, and the provisions of the CLC regime and its supplementary compensation mechanisms. The comparative method is employed not merely to identify textual similarities and differences, but also to evaluate the functional effectiveness of each system in ensuring prompt, adequate, predictable, and enforceable compensation. In Iranian law, the general structure of civil liability has traditionally been associated with fault, especially under Article 1 of the Civil Liability Act, which imposes liability where a person intentionally or negligently causes injury to legally protected interests. This model requires the claimant to demonstrate unlawful conduct, damage, fault, and causation, and therefore places a significant evidentiary burden on victims. Islamic jurisprudential rules, including the principles of no harm, direct destruction, causation, and non-contractual liability, also form an important part of the conceptual foundation of

Iranian civil responsibility. Some of these rules may support liability without fault in particular circumstances, especially where damage is directly attributable to a person's control, possession, conduct, or hazardous activity. Nevertheless, they have not been uniformly developed into a general doctrine of strict environmental liability (Akrami & Nabi, 2024; Pournouri et al., 2021; Poursidi et al., 2024). The study therefore distinguishes between strict liability as an explicit general legislative rule and forms of intensified or quasi-strict liability derived from specific statutes, judicial interpretation, or jurisprudential reasoning. It also examines the role of special environmental laws, including rules prohibiting pollution and regulating water, soil, coastal areas, industrial operations, and petroleum activities. Although such legislation demonstrates a growing tendency to impose obligations on polluters irrespective of traditional fault analysis, the legal consequences remain fragmented, and the relationship between administrative sanctions, restoration duties, civil compensation, and criminal responsibility is not always clear (Miri Lavasani & Sadeghi Ziazi, 2023; Rashedi & Mashhadi, 2024). The CLC system, by contrast, is examined as a specialized international regime designed to centralize liability, establish compulsory insurance, define limited defenses, and facilitate direct claims against insurers.

The theoretical justification for strict liability in oil pollution cases rests on several interrelated considerations. First, oil production and maritime transportation are inherently hazardous activities whose risks cannot be completely eliminated even when operators comply with technical and safety standards. Drilling, tanker navigation, offshore extraction, storage, and pipeline transportation involve large volumes of dangerous substances and create the potential for catastrophic harm affecting extensive geographical areas and multiple classes of victims. Where an enterprise introduces such risks into society for commercial benefit, principles of distributive and corrective justice support allocating the resulting losses to the enterprise rather than to innocent victims (Alwreikat & Qtaishat, 2025; Amune, 2025). Second, the evidentiary difficulties associated with environmental litigation strongly justify departure from fault-based liability. Oil pollution incidents often involve specialized technologies, complex corporate structures, multiple contractors, delayed ecological effects, concealed operational information, and competing causal factors. Requiring victims to prove a specific negligent act may render compensation practically impossible even where the connection between the activity and the environmental harm is evident. Strict liability reduces this asymmetry by focusing on the causal relationship rather than the internal conduct of the operator. Third, the polluter-pays principle requires those responsible for pollution-generating activities to bear the costs of prevention, control, remediation, restoration, and compensation. This principle promotes economic efficiency by incorporating environmental costs into business decisions and discouraging operators from treating ecological harm as an external burden imposed on society (Mousavi & Eslami, 2024; Phuong & Thanh, 2025). Fourth, strict liability has a preventive function. Although liability is imposed without proof of fault, the prospect of substantial financial exposure encourages higher investment in safety systems, maintenance, monitoring, emergency preparedness, insurance, and cleaner technologies. Fifth, it enhances victim protection by simplifying litigation and improving access to compensation. These theoretical foundations have particular importance in relation to pure environmental damage, which includes injury to biodiversity, habitats, water quality, soil, ecological services, and natural resources independently of private property loss. The valuation of such damage requires specialized scientific and economic methods and may include restoration costs, interim ecological losses, long-term monitoring, and compensatory measures (Minxuan et al., 2025; Zhou et al., 2025). In addition, oil pollution may produce collective and future-oriented losses affecting entire communities and subsequent

generations, making conventional individualized compensation models insufficient (O'Farrell et al., 2025; Zaati Abadee et al., 2025).

The comparative analysis demonstrates that the CLC Convention adopts a considerably clearer and more coherent approach than Iranian law. Under the CLC regime, the registered shipowner is generally held strictly liable for pollution damage caused by oil escaping or discharged from the ship. The claimant is not required to prove negligence or operational misconduct, and liability is channelled to a clearly identified person, thereby reducing uncertainty regarding the proper defendant. The Convention permits exemption only in narrowly defined circumstances, including damage resulting from war or similar hostilities, an exceptional and unavoidable natural phenomenon, an intentional act or omission of a third party, or fault attributable to the authority responsible for navigational aids. Contributory fault by the claimant may also reduce or exclude liability. This limited range of defenses confirms that the system is designed primarily to secure compensation rather than to investigate blame (Ismail & Taib, 2025; Macloud, 2025). Another major feature is compulsory insurance or equivalent financial security, which ensures that liability is backed by an identifiable source of payment. Victims may generally bring direct claims against the insurer, thereby reducing the risk that compensation will be defeated by the shipowner's insolvency or limited assets. The CLC framework also permits limitation of liability within defined monetary ceilings, subject to conditions, and is supplemented by international compensation funds financed by entities receiving contributing oil. These funds provide additional compensation where the shipowner's liability is insufficient, unavailable, or legally excluded (Miri Lavasani & Sadeghi Ziazi, 2023; Pournouri et al., 2021). Thus, the international regime combines strict liability, compulsory insurance, channeling of liability, direct action, limited defenses, and supplementary collective financing. This architecture promotes predictability and distributes the economic consequences of major spills across the maritime oil industry. It also facilitates claims involving fisheries, tourism, cleanup costs, preventive measures, and ecological restoration. Although limitations of liability may restrict full recovery in exceptionally large disasters, the layered compensation system represents a more developed model than a legal framework relying primarily on general tort principles (Ismail & Taib, 2025; Li & Li, 2025). The evolution of international compensation standards also reflects growing concern with ecological valuation, restoration, and the adequacy of monetary compensation for marine environmental damage (Khatai & Ladsaria, 2025; Zhou et al., 2025).

The findings indicate that Iranian law contains important elements capable of supporting stricter liability for oil pollution but lacks an explicit, comprehensive, and unified statutory regime comparable to the CLC framework. The Civil Liability Act continues to reflect a predominantly fault-based orientation, while environmental legislation often emphasizes prohibition, regulatory control, administrative enforcement, and criminal sanctions rather than a detailed civil compensation structure. Certain jurisprudential doctrines, especially compulsory liability arising independently of contract, may justify compensation without proof of fault where damage is directly caused by an operator or where legal control over a hazardous activity creates a duty to answer for its consequences. However, the application of these doctrines depends heavily on judicial interpretation and may produce inconsistent outcomes. Special laws relating to environmental protection, water, soil, marine areas, and oil operations demonstrate an increasing movement toward imposing responsibility on polluters, but they do not consistently define the standard of liability, the scope of recoverable environmental damage, the burden of proof, available defenses, limitation periods, insurance requirements, or methods of ecological valuation (Baqersad & Savaraei, 2024; Poursidi et al., 2024; Rahmani, 2024). Causation remains a particularly difficult issue. Oil pollution may

originate from several sources, interact with natural processes, spread over large areas, and cause delayed or cumulative effects. Iranian courts may therefore face considerable difficulty in attributing particular losses to a specific operator, especially where scientific evidence is uncertain. A strict liability regime could reduce the evidentiary burden concerning fault, but it would still require clear rules concerning factual and legal causation, joint and several liability, multiple polluters, presumptions of causation, and proportional allocation of damages (Adiban et al., 2022; Phuong & Thanh, 2025). The absence of a comprehensive national compensation fund and mandatory environmental insurance further weakens the practical effectiveness of compensation in large-scale incidents. Even where legal responsibility is established, the liable operator may lack sufficient resources to finance cleanup, restoration, and long-term ecological monitoring. Accordingly, the principal divergence between Iranian law and the CLC model lies not only in the formal acceptance of strict liability, but also in the institutional and financial mechanisms supporting enforcement. The comparison reveals that effective environmental liability requires an integrated system combining substantive liability rules, insurance, financial security, specialized expertise, transparent assessment procedures, and supplementary compensation funds (Al Shamisi, 2025; Askar, 2025; Mousavi & Eslami, 2024).

In conclusion, the legal treatment of oil pollution damage in Iran requires a transition from fragmented and predominantly fault-oriented rules toward a comprehensive environmental liability regime based expressly on strict liability for hazardous petroleum activities. Such reform should clearly define the responsible persons, the categories of compensable damage, the scope of pure ecological loss, the applicable causation standards, the limited defenses available to operators, and the procedures for restoration and monetary compensation. It should also establish compulsory environmental insurance, direct claims against insurers, financial security requirements, and a national oil pollution compensation fund capable of covering losses exceeding the responsible operator's financial capacity. Greater alignment with the CLC Convention and its supplementary fund system would improve legal certainty, facilitate rapid compensation, strengthen preventive incentives, and enhance Iran's ability to respond to major oil pollution incidents. Legislative reform should be accompanied by stronger inspection systems, specialized environmental courts or judicial panels, scientific protocols for assessing ecological damage, transparent valuation methods, and closer coordination among environmental authorities, maritime agencies, petroleum institutions, insurers, and affected communities. The adoption of strict liability would not eliminate all difficulties, particularly those relating to causation and long-term ecological assessment, but it would remove the often unrealistic requirement that victims prove fault in technically complex cases. Ultimately, an effective regime must ensure that the economic benefits of oil-related activities are not separated from their environmental costs and that those who create exceptional risks bear the responsibility for preventing, controlling, and compensating the resulting harm.

References

- Adiban, Afrough, A., & Mobaraki-Talab, R. (2022). Review and Analysis of the Dimensions of State Responsibility for Compensation for Damage Caused by Marine Oil Pollution from the Perspective of Law, Instruments, and Judgments of International Courts. *Maritime Law Enforcement Security*, 48(13), 113-151.
- Akrami, R., & Nabi. (2024). Analysis of the Criminal Legislative Policy of Iran, Iraq, and the United Arab Emirates in Soil Protection: A Comparative Study. *Legal Research*, 22(56), 231-262.
- Al Shamisi, H. M. (2025). Legal Reflections on Compensation for Environmental Damage in UAE Law (Analytical Study): Green Future Prospects and Challenges. In *Legal Frameworks and Educational Strategies for Sustainable Development* (pp. 45-66).
- Alwreikat, E., & Qtaishat, A. (2025). Civil Liability for Damage Caused by Electronic Waste Pollution. *Pakistan Journal of Criminology*, 17(02), 33-45.

- Amune, M. S. (2025). Assessing the Effectiveness of Nigeria's Legal Framework in Controlling Oil and Gas Pollution: Challenges and Recommendations. *Scholars International Journal of Law, Crime and Justice*, 8(1), 1-12.
- Askar, A. (2025). Civil Liability for Environmental Damage.
- Baqersad, & Savaraei. (2024). Challenges of the Legal Framework for Environmental Damage in the Offshore Oil and Gas Industry. *Contemporary Comparative Legal Studies*, 15(35), 33-60.
- Ismail, M. B., & Taib, C. A. (2025). A Current Review on Operations Management in Managing Major Oil Spills from Ships (Tankers) in the Straits of Malacca, Malaysia. *Journal of Technology and Operations Management*, 20(1), 45-57.
- Khatai, S., & Ladsaria, S. K. (2025). Oil Spill and Its Multispecies Impact: A Study of Comic Strips of Rohan Chakravarty. *Journal of Graphic Novels and Comics*, 1-13.
- Li, Z., & Li, Y. (2025). Evaluation of the Impact of the Ecological Environment Damage Compensation System on Enterprise Pollutant Emissions. *Frontiers in Environmental Science*.
- Macloud, M. A. (2025). OPA90: The Expensive Effects of Unintended Consequences. *Loyola Maritime Law Journal*, 24(1), 72-88.
- Minxuan, C., Hui, H., Qiang, Z., Yunxia, P., Meiling, B., & Jun, D. (2025). A New Model to Assess Compensation for Eco-Environmental Damage. *Environmental Quality Management*, 34(3), e70049.
- Miri Lavasani, S. S., & Sadeghi Ziazi, H. (2023). Analysis of the Theory of Limitation of Liability of Oil Tanker Owners for Compensation for Damage Caused by Oil Pollution in Iranian Maritime Law and the Civil Liability Convention (CLC). *Scientific Biannual Journal of Civil Law Knowledge*, 11(2), 159-178.
- Mousavi, S. F., & Eslami, S. (2024). A Comparative Study of the Iranian Legal System with International Documents and Regulations Concerning the Prevention of Pollution Caused by Oil and Gas. *Islamic Law Research Journal*, 24(4), 883-908.
- O'Farrell, J., O'Fionnagain, D., Babatunde, A. O., Geever, M., Codyre, P., Murphy, P. C., & Golden, A. (2025). Quantifying the Impact of Crude Oil Spills on the Mangrove Ecosystem in the Niger Delta Using AI and Earth Observation. *Remote Sensing*, 17(3), 358.
- Phuong, N. D., & Thanh, N. D. (2025). Law on Compensation for Damages Owing to Environmental Pollution by Business Organizations in Vietnam. *Multidisciplinary Reviews*, 8(4), 2025122-2025122.
- Pournouri, M., Yousefi-Sadeghlou, M., & Badsar. (2021). Limitation of Liability of Oil Tanker Owners in Compensation for Damage Caused by Oil Pollution in Iranian Maritime Law and the Civil Liability Convention (CLC). *Law and Modern Studies*, 4(2), 38-58.
- Poursidi, A., Panahandeh, A., Bahremand, Majazi, & Moein. (2024). Analysis and Review of the Civil Liability of Legal Persons in Environmental Pollution. National Conference on Humanities with a New Approach,
- Radford, B. (2025). Major Oil Spill Wrecks Fishing, Tourism. *Green Left*(1421), 14-14.
- Rahmani. (2024). Foundations of Civil Liability for Damage Caused by Oil Pollution to the Environment. *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, 13(53), 16-30.
- Rashedi, & Mashhadi. (2024). Analysis of the Approach of the Development Plans of the Islamic Republic of Iran to Air Protection. *Quarterly Journal of Public Law Studies, University of Tehran*, 54(2), 985-999.
- Ye, J. A., Pan, Y. M., Jung, C. H., & Liu, T. K. (2025). Good News or Bad News? The Portrayal and Evolution of Marine Pollution Issues in Taiwan's News Coverage. *Marine Pollution Bulletin*, 213, 117663.
- Zaati Abadee, R., Nikkhah Saranghi, R., & Jafarzadeh, S. (2025). Ethical Considerations in Protecting the Marine Environment from the Effects of Oil Pollution and Its Support by International Law. *International Journal of Ethics and Society*, 6(4), 29-39.
- Zhou, Y., Li, S., & Li, J. (2025). How to Effectively Establish the Monetary Compensation Standards for Marine Ecological Damage: Insights from Management Practices in China. *Journal of Coastal Conservation*, 29(1), 1-15.